

از سرقت منزل همسایه تا تهدید به قتل همسر

زن جوان وقتی با تهدید همسرش به قتل مواجه شد، راز سرقت او از خانه همسایه را برای پلیس برملا کرد.

به گزارش مادران و دختران به نقل از «ایران»؛ اوایل ماه گذشته زن جوانی در تماس با پلیس از سرقت خانه‌اش خبر داد و گفت: با همسرم به مسافرت رفته بودم و زمانی که بازگشتم، متوجه شدیم که از خانه حدود دو و نیم میلیارد تومان سرقت شده است.

با حضور تیم تحقیق در محل مشخص شد که سارقان از طریق بالکن وارد خانه شده‌اند. در حالی‌که تحقیقات برای دستگیری سارقان ادامه داشت، چند هفته بعد، شاکی به همراه زن همسایه‌شان به کلانتری رفت و گفت: این زن همسایه ماست او مدعی شده شوهرش سارق خانه ما بوده است.

زن همسایه نیز گفت: شب گذشته با همسرم دعوایم شد و او شروع به کتک زدن من کرد. این اولین باری نبود که همسرم مرا کتک میزد اما این بار مرا تهدید به مرگ کرد و بعد هم گفت من یک سارق حرفه‌ای هستم و خانه همسایه طبقه پایین را هم من سرقت کرده‌ام. به قدری این کار را تمیز انجام داده‌ام که کسی متوجه نشد. تو را هم می‌توانم به راحتی بکشم و جسدت را طوری سر به نیست کنم که کسی متوجه نشود.

او ادامه داد: حرفها و تهدیدهای همسرم را که شنیدم، ترسیدم. به همین دلیل ماجرای سرقت را به شاکی گفتم و او از من خواست به همراهش به کلانتری بیایم.

بدنبال اظهارات زن جوان، همسرش بازداشت شد و در تحقیقات ابتدا منکر سرقت از خانه همسایه شد. اما در مواجهه با مدارک پلیسی او نه تنها به سرقت از خانه همسایه بلکه به سرقت‌های سریالی دیگر نیز اعتراف کرد.

□□□□ □□ □□□□□□

چه شد تصمیم به سرقت خانه همسایه گرفتی؟
به خاطر پول. وقتی متوجه شدم خانه‌اش تجهیزات امنیتی پائینی دارد

تصمیم به سرقت گرفتم. چند باری که به عنوان میهمانی به خانه‌اش رفته بودم، متوجه شدم که وضع مالی خوبی دارند به همین دلیل وسوسه شدم که از آنجا سرقت کنم.

خانه‌های دیگری را هم سرقت کرده‌ای؟

من و همدستم شگردمان بالکن رویی بود. خانه‌هایی را که چراغ خاموش بود، انتخاب می‌کردیم و از طریق بالکن وارد شده و نقشه سرقت‌هایمان را اجرا می‌کردیم.

چرا همسرت را تهدید به قتل کرده بودی؟

می خواستم او را بترسانم، داشتم با بچام بازی می‌کردم و وسایل بازی‌اش روی زمین ریخته بود. همسرم سر این مسأله عصبانی شد و شروع به داد و فریاد کرد. بعد من گوشام را دادم به بچام که با آن بازی کند، دوباره همسرم غرزد و دعوا کرد. من هم او را کتک زدم و تهدید کردم که اگر دست از اذیت‌هایش برندارد او را خواهم کشت اما تهدیدهایم به ضرر خودم تمام شد.

*مرضیه همایونی